

# فرهنگ پروری از پایین، پرسمان از بالا



را پیش روی خود داریم. در گفت‌وگو منفی، امنیت منفی و یک مفهوم غیرمستقل و وابسته به دشمن است. در گفت‌وگو امنیت مثبت هم بدین گونه است، اما تفاوت در این است که از منظر گروه‌های کلاسیک و فراکلاسیک‌ها، گفت‌وگو امنیت منفی، دشمن را در بیرون مرزها متصور است که با ابزار متفاوت حضور خود را نمایان می‌سازد. کلاسیک‌ها این ابزار را نظامی می‌دانند و فراکلاسیک‌ها به اضافه نظامی بودن آن را فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌دانند. این درحالی است که در گفت‌وگو امنیت مثبت، دشمن فقط بیرون مرزها نبوده بلکه به نسبت به درون مرزها هم منتقل می‌شود و دشمن فقط عنصر مخالف و معاند نبوده بلکه دشمن را در درون جامعه ترسیم می‌کنند. این تهدیدی است که در درون خویشتن جامعه باید پی‌جویی شود. به این معنا که عدم استفاده صحیح از فرصت‌ها، زمینه‌ساز ضعف درونی و به پیروی از آن، زمینه‌ساز تهدید و بحران‌زایی درونی است که در جامعه ایجاد می‌شود. باید این ضعف را از میان برد و تهدیدها را محدود ساخت. تهدید در این جا به معنای، هر عامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است که محل توان ملی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده برای رسیدن به جامعه‌مدنی است.

در جامعه مدنی، منفی‌گرایی، منفی‌دیگران، تک‌صدایی، اسراف و دوری از معیارهای صحیح سلامت جامعه، استانداردهای اخلاقی پذیرفته‌شده و مولفه‌هایی است که به انسجام و قوام قدرت ملی منتهی می‌شود. اینها همگی می‌توانند به عوامل تهدیدناپذیر تبدیل شوند. براین اساس برای تحقق جامعه مدنی، نیازمند مدیریت بحران‌ها و از میان بردن تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها هستیم. مدیریتی که به‌جای واگرایی به همگرایی منتج شود و به جای رودررو قرار دادن، تودرتویی قدرت را انسجام بخشد. جامعه مدنی نیازمند یک همگرایی اجتماعی است. این همگرایی نیازمند ۵ «ه» است. همنشینی، همفکری، همگامی، همدلی و در نهایت همبستگی که جامعه مدنی باید یک سرنوشت مشترک پیدا کند. یعنی به وحدت عملیاتی برسد، در غیر این صورت جامعه‌مدنی نخواهد بود، بلکه «جامعه‌زدنی» خواهد شد. به جای پذیرش تک‌تک‌ها و وحدت رساندن آنها دچار بحران‌های تو در تو و واگرایانه خواهد شد.

جامعه مدنی برای رسیدن به ایدئال‌های واقعی، نیازمند طبقه متوسط فرهیخته است. باید طبقه پایین جامعه لاغر و طبقه بالای جامعه نیز کوچک شود و دولت کوچک و فقرا اندک و حتی نزدیک به صفر ترسیم شود. به عبارت دیگر، طبقه حمایت‌شده از سوی جامعه مدنی و جامعه مدنی فرهیخته، به گونه‌ای است که مثلث جامعه در رأس آن قرار می‌گیرد و قاعده بسیار کوچک و بخش میانی آن نیز بسیار فرهیخته شود. این ضرورت یک جامعه مدنی واقعی است. از طرفی این جامعه نه‌ان منظر کمی بلکه از منظر کیفی باید به آگاهی همراه با دانایی دست یابد و لازمه آن فرهنگ پروری از پایین و پرسمان از بالاست.

چشم‌انداز جامعه مدنی ایران، با وجود تمامی التهایات چه در داخل، منطقه و نظام بین‌المللی امیدوارکننده است. ایران در حال تمرین دموکراسی است. دموکراسی‌ای که سعی می‌کند بومی‌اش سازد. برای این بومی‌سازی، هزینه‌های گزافی هم پرداخت شده است.

این محوریت، جایگزین تبعیت اقتدارگرایانه در آن جامعه خواهد شد.

جامعه در حال گذار، بحران‌زا و بحران‌زایی است. حقیقت بحرانی دارد. لذا باید نخست تلاش کرد تا تسلسل بحران‌ها را در آن میان برد. بی‌دری بودن بحران‌ها، به‌عبارتی بحران‌زایی و بحران‌زایی بودن را تشدید می‌کند. پس نیازمند «امنیت‌زدایی» است و تأکید بر امنیت به معنای مدرن آن را در جامعه طلب می‌کند. ما در حوزه امنیت و در سطح تحلیل کلان آن، گفت‌وگو منفی و مثبت داریم. به بیان دیگر یک گفت‌وگو سلبی یا منفی و یک گفت‌وگو مثبت یا ایجابی

## نگاه

### مرزهای سیاسی را لطفاً مشخص کنید



حامد همین

فعال محیط‌زیست

می‌شوند که مجبورند در یک سطح آرام و صرفاً در زمینه‌های آموزشی مثل فرهنگ‌سازی بین دانش‌آموزان یا شهروندان فعالیت کنند و وارد مباحث چالشی نشوند. فعالان محیط‌زیست به دلیل همین نگاه سیاسی و البته امنیتی ترجیح می‌دهند تا فعالیت‌های اعتراضی و چالشی خود را به‌عنوان یک فرد حقیقی انجام دهند و کاری به «ان‌جی‌او‌ای» که در آن فعالیت می‌کنند، نداشته باشند چرا که در غیر این صورت نهادها ممکن است خیلی زود تعطیل شوند و همان کارهای ساده خود را هم نتوانند انجام دهند. بارها شده که از خیلی از فعالان سوال شده که انگیزه شما برای این اعتراض یا فعالیت چه بوده و وقتی به‌عنوان یک شهروند تکران به سوالات پاسخ داده شده نگاه سیاسی وجود نداشته مشکل خیلی زود برطرف شده است. البته در سال‌های اخیر دولت‌ها هر کدام با موضوعی که داشتند نشان دادند که تا چه اندازه برای نهادهای مدنی ارزش قابل‌حسب هستند. در حال حاضر هم اگر چه فضا تا حدودی بهتر شده است اما همچنان در سطوح استانی و شهرستانی مشکلات فراوانی وجود دارد که بخشی از آن به همان سازمان ثبت‌کننده برمی‌گردد که در حال پیگیری است. رست‌های روشنفکرانه زیادی در باره «ان‌جی‌او‌اها» گرفته می‌شود اما باید قبول کرد که فعالان مدنی همچنان در تنگنا هستند و باید هر چه سریع‌تر این نگاه اصلاح‌شده شود که پشت هر اعتراضی لزوماً یک نگاه سیاسی و به‌خصوص امنیتی وجود ندارد و تأثیر نهادهای مدنی چیزی نیست که به راحتی بتوان آن را منکر شد و از کنار آن گذشت.

## ذره بین

### مردم به دولت‌ها اعتماد می‌کنند اما دولت‌ها نه!



شهریانومانانی

فعال سیاسی

احزاب ما باید در مانیفست سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی محیط‌زیستی‌شان که امروزه جزو موضوعات بسیار مهم کشور است، این موضوع را لحاظ کنند و تداخل با نهادهای سیاسی به‌وجود نیآورند. من‌خانی‌رامی شناسم که بیش از ۵۰ سال است فعالیت محیط‌زیستی انجام می‌دهد و با توجه به این که به سن ۶۰ سالگی رسیده است، هنوز در مدارس آموزش‌های محیط‌زیستی می‌دهد و سال گذشته از ایشان به‌عنوان فعال محیط‌زیست تجلیل شد. شب‌می‌بیند که ایشان با این که بیش از ۵۰ سال است که فعال محیط‌زیست است، اما هیچ وقت خودش را درگیر سیاست و آمیخته به آن نکرده است و نمی‌کند.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که خصوصاً در چندسال اخیر که عده‌ای نتوانستند دیدگاه‌های سیاسی خود را در چارچوب تعاملات سیاسی اعلام و برآز نظر کنند، از طریق دانشگاه‌ها، نهادهای مدنی و ان‌جی‌او‌اها کار را انجام می‌دهند. اگر گردش آزاد اطلاعات را قائل‌نموند کنیم و هر روز با محدودیت‌ها و قفل‌ها، گردش اطلاعات را مختل نکنیم، هم نهادهای ان‌جی‌او‌اها غیردولتی و غیرسیاسی، سیاسی نمی‌شوند و هم سیاست‌مداران از اینها به‌عنوان ابزاری برای رساندن صدای خود، استفاده نمی‌کنند. این کار وظیفه دولت است تا تمهیداتی را فراهم بیاورد که این داستان فیصله پیدا کند و مردم و نهادهای ان‌جی‌او‌اها بسیاری امور را در اداره کشور، دست‌بگیرند. نمی‌دانم چرا مردم به دولت‌ها اعتماد می‌کنند اما متأسفانه دولت‌ها به مردم اعتماد نمی‌کنند و نقش کششگری را به مردم و نهادهای غیردولتی نمی‌سپارند. در صورتی که اگر این اتفاق بیفتد، هم بار بسیار زیادی از روی دوش دولت‌ها برداشته می‌شود، هم ضرب‌باعتدال میان مردم و دولت زیاد می‌شود و هم از آفت سیاست‌زدگی نهادهای غیرسیاسی و ان‌جی‌او‌اها، مصون خواهیم بود. در هیچ کجای دنیا دولت‌ها نتوانسته‌اند به تنهایی از عهده اداره کشور برآیند؛ و این نکته بسیار مهمی است که عده‌ای به آن توجه نمی‌کنند.



## دریچه



مهدی مطهرنیا

استاد دانشگاه

جامعه مدنی ایران، مختصات مدنیت را درون خود داراست. پتانسیل‌های آن را دارد و بخشی از استعدادهای خود را در این زمینه نشان داده اما تازه در آغاز راه است. باید گفت، ایران پس از مشروطیت، سعی کرده تا حرکت به سوی جامعه مدنی را کلید بزند. برای تحقق جامعه مدنی، جوامع باید مراحل مختلفی را طی کرده و از آن گذر کنند، از آن جمله،

جامعه مدنی ایران، مختصات مدنیت را درون خود داراست. پتانسیل‌های آن را دارد و بخشی از استعدادهای خود را در این زمینه نشان داده اما تازه در آغاز راه است. باید گفت، ایران پس از مشروطیت، سعی کرده تا حرکت به سوی جامعه مدنی را کلید بزند. برای تحقق جامعه مدنی، جوامع باید مراحل مختلفی را طی کرده و از آن گذر کنند، از آن جمله،

جامعه مدنی ایران، مختصات مدنیت را درون خود داراست. پتانسیل‌های آن را دارد و بخشی از استعدادهای خود را در این زمینه نشان داده اما تازه در آغاز راه است. باید گفت، ایران پس از مشروطیت، سعی کرده تا حرکت به سوی جامعه مدنی را کلید بزند. برای تحقق جامعه مدنی، جوامع باید مراحل مختلفی را طی کرده و از آن گذر کنند، از آن جمله،

جامعه مدنی ایران، مختصات مدنیت را درون خود داراست. پتانسیل‌های آن را دارد و بخشی از استعدادهای خود را در این زمینه نشان داده اما تازه در آغاز راه است. باید گفت، ایران پس از مشروطیت، سعی کرده تا حرکت به سوی جامعه مدنی را کلید بزند. برای تحقق جامعه مدنی، جوامع باید مراحل مختلفی را طی کرده و از آن گذر کنند، از آن جمله،

## نهادهای مدنی و راهکار مقابله با گروه‌های فشار

فرهنگ‌هایی دارد که در چارچوب‌های آن می‌توان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را بسیار متشکل و قاعده‌مند و با انسجام انجام داد. درحقیقت برآزنده یک ملت رشد یافته که نخ‌نگاش در نهادهای سیاسی و اجتماعی فعال هستند، این است که نهادهای مدنی و سیاسی‌اش بتوانند در چارچوب قانون اساسی کاملاً ارگانیک و با آسودگی خاطر فعالیت کنند. نهادهای مردمی سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی باید ساختار یافته و با چارت سازمانی مشخص فعالیت کنند؛ یعنی دبیر کل مشخص باشد، سخنگو و وظیفه‌هر یک از اعضا به شکل واضح مشخص باشد

فرهنگ‌هایی دارد که در چارچوب‌های آن می‌توان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را بسیار متشکل و قاعده‌مند و با انسجام انجام داد. درحقیقت برآزنده یک ملت رشد یافته که نخ‌نگاش در نهادهای سیاسی و اجتماعی فعال هستند، این است که نهادهای مدنی و سیاسی‌اش بتوانند در چارچوب قانون اساسی کاملاً ارگانیک و با آسودگی خاطر فعالیت کنند. نهادهای مردمی سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی باید ساختار یافته و با چارت سازمانی مشخص فعالیت کنند؛ یعنی دبیر کل مشخص باشد، سخنگو و وظیفه‌هر یک از اعضا به شکل واضح مشخص باشد

فرهنگ‌هایی دارد که در چارچوب‌های آن می‌توان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را بسیار متشکل و قاعده‌مند و با انسجام انجام داد. درحقیقت برآزنده یک ملت رشد یافته که نخ‌نگاش در نهادهای سیاسی و اجتماعی فعال هستند، این است که نهادهای مدنی و سیاسی‌اش بتوانند در چارچوب قانون اساسی کاملاً ارگانیک و با آسودگی خاطر فعالیت کنند. نهادهای مردمی سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی باید ساختار یافته و با چارت سازمانی مشخص فعالیت کنند؛ یعنی دبیر کل مشخص باشد، سخنگو و وظیفه‌هر یک از اعضا به شکل واضح مشخص باشد

فرهنگ‌هایی دارد که در چارچوب‌های آن می‌توان فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را بسیار متشکل و قاعده‌مند و با انسجام انجام داد. درحقیقت برآزنده یک ملت رشد یافته که نخ‌نگاش در نهادهای سیاسی و اجتماعی فعال هستند، این است که نهادهای مدنی و سیاسی‌اش بتوانند در چارچوب قانون اساسی کاملاً ارگانیک و با آسودگی خاطر فعالیت کنند. نهادهای مردمی سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد اجتماعی باید ساختار یافته و با چارت سازمانی مشخص فعالیت کنند؛ یعنی دبیر کل مشخص باشد، سخنگو و وظیفه‌هر یک از اعضا به شکل واضح مشخص باشد

سیاسی براساس اساسنامه خود حرکت کنند و برنامه‌هایشان را پیش ببرند، گروه‌های فشار نمی‌توانند آنها را تضعیف کرده و مانع فعالیت آنها شوند.

هر چند چتر نگاه امنیتی و سیاسی بر فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد که حتی در حوزه‌های اجتماعی کار می‌کنند، هم دیده می‌شود، ولی این نهادها دارای شناسنامه هستند و در نظام جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده‌اند و درگیر شدن قانونی با آنها چندان ساده نیست. با این حال در جامعه ما گروه‌هایی هستند که برای هر فعالیتی حساسیت ایجاد می‌کنند، اینها خواهند

تصدایی جز صدای خودشان به مردم گوش نرسد که البته این وضع در جامعه ما ممکن نیست و در عرف فرهنگی و مذهب ما هم نهی شده است. در چارچوب نهادهای مدنی می‌توان بیشتر به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی پرداخت و زیرساخت‌های لازم را فراهم کرد. البته نهادهای سیاسی هم نهادهای مردمی محسوب می‌شوند که با

دغدغه‌های سیاسی مردمی شکل گرفته‌اند؛ این نهادها صرفاً باید به فعالیت‌های سیاسی بپردازند و در حوزه‌های دیگر وارد نشوند. قانون اساسی

**وظیفه اول توجه نهادها**  
مولود سازمان‌های مردم‌نهاد است که در این مسیر تلاش کنند؛ به این صورت که این سازمان‌ها باید دسترسی کنند دامنه فعالیت‌هایشان بر اساس اساسنامه و مرانامه مصوب خودشان و در چارچوب قانون اساسی قابل دفاع باشد

دغدغه‌های سیاسی مردمی شکل گرفته‌اند؛ این نهادها صرفاً باید به فعالیت‌های سیاسی بپردازند و در حوزه‌های دیگر وارد نشوند. قانون اساسی